

Original Article

Open Access

Explanation of the Components of Skill-Based Education in Higher Education With A Qualitative Approach

Shahram Mehravar Giglou¹ , Adel Zahed Babelan^{1*} 

1. Department of Educational Sciences, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran

Received: 2024/02/16

Accepted: 2024/04/17

Keywords:

Education

Faculty Members

Skills

Teaching

***Corresponding author:**

Zahed Babelan A, Department of Educational Sciences, Faculty of Educational Sciences Psychology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran
zahed@uma.ac.ir

ABSTRACT

Introduction: Academic skill-based education is a basic tool for empowering citizens with high-level technical skills and abilities that can be used for national development. Therefore, the current research aimed to identify the components of skill-based education in higher education with a qualitative approach.

Methods: The current research was conducted with a qualitative approach of thematic analysis type. The target group of the study was the faculty members of Mohagheg Ardabili, Allameh Tabatabai, Shahid Beheshti, and Tehran universities in Iran. The participants included 15 faculty members who were selected by purposeful sampling. Semi-structured interviews were used to collect data.

Results: In total, 113 free codes were extracted from the content of the interviews. After merging the similar codes, finally, 98 codes were extracted and classified into 16 similar sub-themes and finally categorized into 7 main themes. Categories of policy-making, skill-based curriculum, university mission, teaching methods, entrepreneurship, empowerment of faculty members, and technology development were identified as the most important components of skill-based education from the point of view of faculty members.

Conclusion: According to the findings of the research, it can be said that institutionalization of skill-based education in the university can play an effective role in the employment of graduates.



How to Cite This Article: Mehravar Giglou S, Zahed Babelan A. Explanation of the Components of Skill-Based Education in Higher Education With A Qualitative Approach. *Res Med Edu*. 2024; 16 (2): 4-14.

 10.32592/rmegums.16.2.4

Copyright © 2024 Research In Medical Education, and Guilan University of Medical Sciences.



This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.
License (<https://creativecommons.org/mission/by-nc/4.0/>)

تبیین مولفه‌های آموزش مبتنی بر مهارت در آموزش عالی با رویکرد کیفی

شهرام مهرآور گیگلو^۱، عادل زاهد بابلان^{۱*}^۱ . گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخچه:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۹

کلیدواژه‌ها:

اعضای هیئت علمی

آموزش

تدریس

مهارت‌ها

*نویسنده مسئول:

عادل زاهد بابلان، گروه علوم تربیتی،

دانشکده علوم تربیتی و

روانشناسی، دانشگاه محقق

اردبیلی، اردبیل، ایران

zahed@uma.ac.ir

چکیده

مقدمه: آموزش مهارت‌محور دانشگاهی ابزاری اساسی برای توانمندسازی افراد با مهارت‌ها و توانایی‌های فنی سطح بالا است که می‌توان از آن برای توسعه ملی استفاده کرد. لذا پژوهش حاضر با هدف تبیین مولفه‌های آموزش مبتنی بر مهارت در آموزش عالی با رویکرد کیفی انجام شده است.

روش‌ها: پژوهش حاضر با رویکرد کیفی از نوع تحلیل مضمون انجام شده است. گروه هدف مورد مطالعه، اعضای هیات علمی دانشگاه‌های محقق اردبیلی، علامه طباطبائی، شهید بهشتی و تهران بود. مشارکت‌کنندگان شامل ۱۵ نفر از اعضای هیات علمی بودند که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده شد.

یافته‌ها: مجموع کدهای آزاد استخراج شده از محتوای مصاحبه‌ها ۱۱۳ مورد بود که پس از ادغام کدهای مشابه با یکدیگر در نهایت ۹۸ کد استخراج و در ۱۶ مضمون فرعی طبقه‌بندی و در نهایت در ۷ مضمون اصلی دسته‌بندی شدند. مقوله‌های سیاست‌گذاری، برنامه درسی مبتنی بر مهارت، ماموریت و رسالت‌های دانشگاه، روش‌های تدریس، کارآفرینی، توانمندسازی اعضای هیات علمی و توسعه فناوری به عنوان مهم‌ترین مولفه‌های آموزش مبتنی بر مهارت از دیدگاه اعضای هیات علمی شناسایی شدند.

نتیجه‌گیری: با عنایت به یافته‌های پژوهش می‌توان گفت که نهادینه کردن آموزش مبتنی بر مهارت در دانشگاه می‌تواند نقش موثری در اشتغال دانش‌آموختگان داشته باشد.

مقدمه

امروزه دانشگاه‌ها در توسعه مهارت‌محوری در جامعه نقش تعیین‌کننده‌ای دارند (۱،۲) و آموزش مبتنی بر مهارت برای دستیابی به اهداف و مقاصد آموزشی از اصول اساسی به‌شمار می‌رود (۳). هم‌چنین در محیط متغیر و رقابتی آینده، دانشگاه‌ها برای حفظ بقای خود راهی جز حرکت به سمت مهارت‌محوری ندارند. برای رسیدن به این منظور باید تغییراتی در فرآیندهای آموزشی و پژوهشی، ساختار، فرهنگ، شیوه و محتوای تعامل دانشگاه‌ها با بنگاه‌ها و دولت ایجاد شود (۴). از جمله مزایای آموزش مبتنی بر مهارت در دانشگاه می‌توان به توانمندسازی دانشجویان با مهارت و توانایی فنی سطح بالا (۵) و ایجاد خزانه مهارتی در ذهن و نظام رفتاری دانشجویان اشاره کرد که وی را برای حضور موثر در جامعه و محیط شغلی

آماده می‌کند (۶). از جمله مشکلات نبود آموزش مبتنی بر مهارت نیز می‌توان به بیکاری دانش‌آموختگان (۷) و شکاف بین مهارت‌های دانش‌آموختگان و انتظارات بازار کار اشاره کرد (۸). در این راستا Kavala به دانشگاه‌ها توصیه می‌کند با ادغام مهارت‌های موجود در دانشگاه در برنامه‌های خود و به کارگیری آن‌ها در عمل، بر مهارت‌های قرن بیست و یکم تمرکز کنند (۹). یکی از عواملی که نقش به‌سزایی در مهارت‌آموزی دانشجویان، کیفیت یادگیری و وضعیت اشتغال آن‌ها دارد، شیوهی تدریس یا به عبارتی فرایند یاددهی-یادگیری است. بنابراین کیفیت فرایند آموزش نه تنها بر یادگیری دانشجویان موثر است، بلکه بر اشتغال آن‌ها نیز پس از اتمام دوره دانشجویی تاثیرگذار است (۱۰،۱۱،۱۲). از طرفی دیگر

اعضای هیات علمی نیز یکی از مهم‌ترین ارکان آموزش عالی محسوب می‌شوند و مهم‌ترین عامل در تربیت نیروی انسانی هستند. Tang معتقد است که داشتن تجربه میدانی برای اعضای هیات علمی اهمیت فراوانی دارد، زیرا آن‌ها از طریق حضور در میدان کسب و کار نکات ارزشمندی را در اختیار دانشجویان قرار می‌دهند و آن‌ها را با مسائل دنیای واقعی آشنا و از این طریق فرایند یادگیری را تسهیل می‌کنند (۱۳).

هم‌چنین Partey توسعه مهارت‌های آموزشی و بهبود محتوای دانش و توسعه مهارت‌های اجتماعی و تجربه کسب و کار را از جمله مزیت‌های تجربه میدانی اساتید می‌داند (۱۴). براساس یافته‌های پژوهش مالکپور و همکاران الزامات فردی، الزامات مهارتی، الزامات محیطی، الزامات دانشگاهی و الزامات آموزشی و پژوهشی به عنوان مولفه‌های برنامه درسی مبتنی بر مهارت در آموزش عالی شناسایی شدند (۱۵). براساس یافته‌های شریفی و همکاران سه مقوله اصلی دانش و مهارت آکادمیک، دانش و مهارت‌های مرتبط با محیط کار، نگرش و ویژگی‌های فردی به عنوان مولفه‌های اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاهی شناسایی شدند (۱۶). در پژوهش صالحی عمران و عین خواه ایجاد پیوند میان بازار کار و توسعه آموزش مبتنی بر مهارت از عوامل دستیابی به اشتغال و کارآفرینی می‌باشد (۱۷). یافته‌های پژوهش CHAN حاکی از آن است که فقدان شایستگی‌ها، صلاحیت‌ها و مهارت‌های عمومی در دانشجویان و عدم توجه به آن‌ها در تدریس و برنامه‌های درسی، دانشجویان را از اشتغال و آمادگی در محیط کار محروم می‌نماید (۱۸). در پژوهش Emike کسب مهارت مدیریت شخصی، مهارت فناوری اطلاعات و کسب شایستگی شغلی از نتایج بکارگیری آموزش مبتنی بر مهارت بحساب می‌آید (۳). هم‌چنین Muratore نیز معتقد است در آموزش‌های کاربردی و مهارت‌محور از جمله آموزش رشته‌های پزشکی، برنامه‌های درسی باید در محیط‌های عملی و شبیه‌سازی شده مناسب تدریس، اجرا شود و مهارت‌های اساسی از این طریق به دانشجویان منتقل شود تا اثربخشی لازم را دارا باشد (۱۹). امروزه شکاف مهارتی ایجاد شده بین نیازهای بازار کار و آموزش‌های ارائه شده توسط سیستم‌های آموزشی مسئله‌ای مورد توجه در نظام آموزش عالی دنیا محسوب می‌شود و این عدم تعادل باعث به چالش کشیدن برنامه‌های درسی مبتنی بر مهارت آموزشی شده است (۲۰). هم‌چنین آموزش‌های مهارت‌محور دانشگاهی و تحقیقات مربوط به آن هم‌اکنون با چالش‌های متعددی مواجه شده است که یکی از چالش‌های

موجود در زمینه کارآفرینی، ناشناخته بودن مقوله مهارت‌محوری می‌باشد که از موانع گسترش فرهنگ کارآفرینی در کشور است (۱۷). از طرف دیگر، امروزه اکثر دروس دانشگاه‌ها به ویژه رشته‌های علوم انسانی به‌طور نظری ارائه می‌شوند و تلاش جدی برای کاربردی کردن آن‌ها صورت نگرفته است. از این رو، اکثر خروجی‌های دانشگاه‌ها با نیازهای بازار کار هماهنگی و هم‌خوانی ندارند. از این رو، بازار کار نیازمند بعضی تخصص‌های جدید است که لزوماً دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها آن‌ها را در دوران تحصیل فرا نمی‌گیرند. هم‌چنین نتایج پژوهش‌های مختلف حاکی از آن است که محتوای دوره‌های آموزشی ارائه شده در دانشگاه‌های کشور با نیازهای محیط کار و شغلی انطباق ندارد (۲۱) و عدم توجه نظام آموزش عالی به نیازهای جامعه یکی از دلایل اصلی بروز بحران بیکاری دانش‌آموختگان است، در صورتی که نیاز اساسی یک فارغ‌التحصیل دانشگاهی برای رسیدن به شغل و پذیرش مسئولیت تخصصی جامعه، مهارت است (۱۵)، اما شواهد حاکی از آن است که بین محتوای آموزشی ارائه شده در دانشگاه با آنچه بازار کار از بعد مهارت فنی و عملی می‌طلبد تناسب منطقی برقرار نشده است (۲۲). با عنایت به نکات ذکر شده بخش کثیری از دانش‌آموختگان دانشگاهی در کشور به دلیل عدم ارائه آموزش مبتنی بر مهارت در دانشگاه‌های کشور قادر به بکارگیری آموخته‌های خود در بازار کار و جامعه نیستند، بنابراین ایجاد تعادل و هماهنگی بین آموزش‌ها و برنامه‌های درسی نظام آموزش عالی با نیازهای بازار کار جهت جلوگیری از اتلاف سرمایه انسانی در جامعه ضرورت دارد. لذا پژوهش حاضر با هدف تبیین مولفه‌های آموزش مبتنی بر مهارت در نظام آموزش عالی کشور با رویکرد کیفی انجام شده است.

روش‌ها

پژوهش حاضر با استفاده از روش تحقیق کیفی از نوع توصیفی - اکتشافی انجام شده است. گروه هدف مورد مطالعه، نیز اعضای هیات علمی دانشگاه‌های محقق اردبیلی، علامه طباطبائی، شهیدبهشتی و تهران بود. با توجه به ماهیت پژوهش کیفی از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد که ۱۵ نفر از اعضای هیات علمی که سابقه پژوهشی مرتبط با موضوع پژوهش داشته‌اند، به عنوان نمونه انتخاب شدند. در پژوهش حاضر به‌منظور شناسایی نظر خبرگان در حوزه پژوهش از مصاحبه نیمه‌ساختار یافته استفاده شد. دلیل استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته در پژوهش حاضر این

بود که علاوه بر آن که امکان تبادل نظرات و تفکر وجود دارد، می‌توان بحث و موضوع مصاحبه را در جهت دستیابی به اهداف پژوهش هدایت نمود. پس از تعیین مصاحبه‌شوندگان، هماهنگی لازم برای زمان و مکان تشکیل جلسه توسط مصاحبه‌کننده انجام گرفت. قبل از تشکیل جلسه، سوالات مصاحبه و اهداف پژوهش در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت تا آمادگی لازم را برای انجام مصاحبه داشته باشند. (نمونه سوالات: آموزش مبتنی بر مهارت از نظر شما چیست؟ آموزش مبتنی بر مهارت به نظر شما از چه ابعاد و مولفه‌هایی تشکیل شده است؟ نقش اعضای هیات علمی در توسعه آموزش مبتنی بر مهارت در دانشگاه چیست؟) همچنین در حین مصاحبه با استفاده از سوالات پیگیری کننده از مشارکت کننده خواسته می‌شد تا ابهاماتی که بوجود می‌آمد را با توضیحات بیشتر روشن کند. مصاحبه‌ها به صورت جداگانه با خبرگان کلیدی حوزه پژوهش برگزار و عموماً طی یک جلسه حدود یک ساعت و نیم انجام گرفت. در طول مصاحبه از روش‌های مختلف یادداشت‌برداری و ضبط مصاحبه‌ها برای ثبت اطلاعات استفاده گردید. همچنین سعی بر این بود که رابطه مناسبی با مصاحبه‌شونده برقرار و اعتماد وی جلب شود. تحلیل داده‌ها براساس دستورالعمل ارائه شده تحلیل مضمون استربرگ (Sterberg) انجام گرفت. در همه شیوه‌های تحلیل داده‌های کیفی، تحلیل مضمون از اهمیت زیادی برخوردار است. تحلیل مضمون ضمن اینکه خود یک روش مستقل تحلیلی است می‌تواند در روش‌های تحلیلی دیگر نیز به کار رود. داده‌های مورد تحلیل در روش مضمونی شامل داده‌های متنی، مصاحبه‌ها و داده‌های مشاهده‌ای متنی شده هستند. این نوع تحلیل در وهله اول به دنبال الگویابی است. زمانی که الگویی از داده‌ها به دست آید باید حمایت موضوعی از آن صورت گیرد. به عبارتی مضامین از داده‌ها سرچشمه می‌گیرند. الگوهای متعددی برای تحلیل مضمونی وجود دارد که شباهت‌های بسیار زیادی باهم دارند. الگوی ارائه شده توسط استربرگ (Sterberg) یکی از کامل‌ترین الگوها است که شامل ۵ مرحله است که به ترتیب ذیل اجرا شد. ۱. مدیریت داده-ها: در این مرحله به تنظیم و سازماندهی داده‌ها و جداسازی انواع داده‌های موجود، قرار دادن داده‌ها در یک بازه زمانی به صورت منظم، سازماندهی براساس عنوان، نوع داده و تهیه فهرست یا کتابچه پرداخته شد. ۲. درگیری با داده‌ها: در این مرحله پژوهشگر تلاش کرد تا با انجام کدگذاری باز که نخستین و مهم‌ترین مرحله درگیری و درک داده‌هاست،

مقدمات تحلیل و سنخ‌شناسی داده‌ها را فراهم کند. ۳. ترسیم داده‌ها: در این مرحله پژوهشگر، مقولات، مضامین و الگوهای یافته‌شده را در قالب نقشه‌های داده‌ها و دیاگرام مفهومی به تصویر کشید. ۴. توسعه تحلیل: در این مرحله پژوهشگر تحلیل‌های مبتنی بر مقولات و مضامین را با استفاده از الگوهایی که از داده‌ها استخراج شد بودند، آغار و توسعه داد. ۵. سنخ‌شناسی: این مرحله آخرین گام تحلیل است. در این مرحله پژوهشگر الگوها را دسته‌بندی و برحسب تفاوت‌ها و تشابهات سنخ‌بندی کرد و در نهایت پژوهشگر برای رسیدن به اشباع کدها، مضامین، الگوها و سنخ‌شناسی‌ها را تا حد امکان از نظر مفهومی بررسی کرد تا به اشباع برسد (۲۳). سپس برای بررسی اعتبار داده‌ها نیز از چهار معیار باورپذیری، انتقال‌پذیری، وابستگی و اعتمادپذیری که توسط لینکلن و گوبا (Guba & Lincoln) برای ارزیابی اعتبار نتایج پژوهش کیفی ارائه شده است، بهره گرفته شد. ابتدا مقوله‌های شناسایی شده در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار گرفت تا برداشت و تحلیل پژوهشگر را بررسی نمایند. همچنین تحلیل داده‌ها و نتایج در اختیار دو تن از متخصصان قرار گرفت تا نظر تخصصی خود را در خصوص تحلیل داده‌ها و نتایج بیان کنند. کد پایایی بین دو کدگذار ۰/۸۵ به دست آمد و به منظور افزایش قابلیت تأیید یافته‌ها از مصاحبه‌ها یادداشت‌برداری شد.

ملاحظات اخلاقی: در پژوهش کیفی که با توصیف مفهوم‌سازی و تحلیل تجارب انسان‌ها سروکار دارد، جدا کردن ارزش‌ها و حقایق و موضوعات اخلاقی از موضوعات علمی امکان‌پذیر نیست. به‌طور سنتی چهار حوزه‌ی توافق آگاهانه، رازداری، پیامدها و نقش پژوهشگر به عنوان رهنمودهای اخلاقی برای پژوهشگران مطرح شده است. در این پژوهش نیز از این چهار رهنمود برای رعایت مسائل اخلاقی در پژوهش حاضر بهره گرفته شده است.

یافته‌ها

مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر ۱۵ نفر از اعضای هیات علمی دانشگاه‌های محقق اردبیلی، علامه طباطبائی تهران، شهید بهشتی و تهران بودند که ۵ نفر از مشارکت‌کنندگان دارای مرتبه استادیاری، ۶ نفر دارای مرتبه دانشیاری و ۴ نفر نیز دارای مرتبه استادی بودند. پس از تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه، مجموع کدهای استخراج شده از محتوای مصاحبه‌ها ۱۱۳ مورد بود که پس از ادغام کدهای مشابه با یکدیگر در نهایت ۹۸ کد استخراج و در ۱۶ مفهوم

مشابه طبقه‌بندی و در نهایت مولفه‌های دانشگاه توانمندساز در مقوله‌بندی یافته‌ها در جدول شماره یک ارائه گردیده است. نظام آموزش عالی کشور در ۷ مقوله اصلی دسته‌بندی شدند.

جدول ۱: مقوله‌بندی مولفه‌های آموزش مبتنی بر مهارت در آموزش عالی

مقوله اصلی	مقوله فرعی	کدهای استخراج شده از مصاحبه‌ها
سیاست‌گذاری	حمایت از مهارت محوری	حمایت مدیران و مسئولان نظام آموزش عالی از آموزش‌های مهارت محور/ حمایت وزارت مطبوع از آموزش مهارت محور/ حمایت دولت از حرکت دانشگاه‌ها به سمت مهارت محوری/ در لایت قرار دادن برنامه‌های آموزش مهارت محوری در سیاست‌های کلان توسعه آموزش عالی/ آموزش مهارت محور به عنوان یک لایت راهبردی در توسعه نظام آموزش عالی کشور/ حمایت دولت از دانشگاه در راستای حرکت به سوی دانشگاه نسل سوم و چهارم.
	سیاست‌گذاری متناسب با مهارت محوری	تعیین سیاست‌های کلی مهارت محوری توسط نهادهای سیاست‌گذار و تصمیم‌گیر برای آموزش عالی/ تدوین مأموریت‌های مهارت محور برای آموزش دانشگاهی توسط سیاست‌گذاران/ تعیین راهبردهای بنیادی مهارت محوری برای آموزش/ سیاست‌گذاری با رویکرد مهارت محوری و کارآفرینی در نظام آموزش عالی.
برنامه‌درسی مهارت	نهادینه شدن مهارت محوری در برنامه درسی	به سازی و ارتقای مستمر کیفیت برنامه‌های آموزشی/ تدوین مدل مطلوب مهارت محوری در برنامه درسی/ توجه به مسائل کاربردی و عملی در برنامه درسی/ توجه به محتوای کاربردی.
	تناسب محتوا با صنعت	ایجاد پیوند میان بازار کار و آموزش/ توجه به مهارت‌های تخصصی صنعت در محتوا/ توجه به نیازهای صنعت در محتوا/ محتوای منطبق با موقعیت‌های واقعی صنعت/ متناسب با نیازهای صنعت محلی/ متناسب با تقاضای صنعت.
مأموریت و رسالت‌های دانشگاه	چشم‌انداز دانشگاه	توجه به آموزش مهارت محور در رسالت‌های دانشگاه/ داشتن چشم‌انداز مهارت محور در دانشگاه/ توجه به آموزش مهارت محور در برنامه‌ها و طرح‌های دانشگاه/ حمایت روسای دانشگاه‌ها از آموزش‌های مهارت‌محور.
	طرح‌ها و برنامه‌های مهارت محوری	داشتن برنامه مدون برای کاربردی‌سازی آموزش دانشگاهی/ تهیه برنامه مدون و جامع مهارت محوری/ تلفیق مهارت محوری در تمامی برنامه‌ها و طرح‌های دانشگاهی.
روش‌های تدریس	پرورش تفکر مهارت محوری در دانشجویان	پرورش علاقمندی به دروس عملی/ گسترش و توسعه دید دانشجویان/ بهبود نقش و مهارت دانشجویان در توان کاری موردنظر/ افزایش دانش عمومی دانشجویان/ پرورش علاقمندی به دروس عملی/ پرورش تفکر خلاق/ پرورش روحیه سخت کوشی در دانشجویان/ پرورش حس مسئولیت‌پذیری در دانشجویان/ پرورش عقاید مثبت نسبت به کار/ پرورش روحیه وقت شناسی/ پرورش توانایی کارکردن با دیگران/ بهبود روحیه مشارکت در پروژه‌ها و وظایف/ داشتن ایده‌های جدید و خلاق برای انجام بهتر کار/ پرورش نگرش مثبت به کار.
	مسئله محوری در تدریس	سوق دادن شیوه‌های آموزش دانشگاهی به سمت مسئله‌محوری/ سوق دادن تکالیف، پروژه‌ها و امتحانات برخی از دروس از حالت انفرادی به گروهی/ قرار دادن دانشجو در موقعیت‌های چندگانه در طراحی فرصت‌های یادگیری/ خلق موقعیت‌های ابهام‌آمیز در طراحی فرصت‌های یادگیری/ اتخاذ رویکرد مسئله‌محوری در طرح درس.
کارآفرینی	روش تدریس مهارت محور	تمرکز بر یادگیری مهارت‌های عملی/ تاکید بر یادگیری فعال و مشارکتی/ پروژه‌های عملی و فعالیت‌های تعاملی/ هماهنگ کردن محتوای آموزشی با نیازهای واقعی جامعه و بازار کار/ استفاده از فناوری‌های نوین در روش تدریس.
	آموزش کارآفرینی	آموزش‌های رسمی کارآفرینی/ آموزش‌های غیررسمی کارآفرینی/ برگزاری رویدادهای کارآفرینی/ برگزاری اردوی آموزشی کارآفرینی/ ارائه فوق برنامه آموزش کارآفرینی/ برنامه درسی مبتنی بر کارآفرینی/ برگزاری دوره‌های کارآموزی برای دانشجویان
توانمندسازی اعضای هیات علمی	حاکمیت رویکرد کارآفرینی در دانشگاه	تأسیس انجمن‌های دانشجویی کارآفرین/ فعالیت‌های آموزشی انجمن‌های کارآفرینی/ برگزاری استارت‌آپ‌های کارآفرینی/ مراکز رشد و فناوری در دانشگاه/ ایجاد پارک‌های علم و فناوری در دانشگاه/ تأسیس مراکز کسب‌وکار و مراکز کارآفرینی در دانشگاه/ حرکت دانشگاه به سمت دانشگاه‌های نسل سوم و نسل چهارم/ حمایت دانشگاه از خلاقیت و نوآوری/ آماده‌سازی دانشجو برای ورود به جامعه، بازار کار/ جذب استاد و دانشجو با رویکرد کارآفرینی/ تجاری‌سازی برنامه‌های آموزشی، پژوهشی و خدمات اجتماعی دانشگاه/ تقویت پارک‌های علم و فناوری و مراکز رشد دانشگاه/ راه‌اندازی مراکز نوآوری در دانشگاه/ تأسیس مؤسسه کار و فناوری در پردیس/ تأسیس مرکز مشاوره شغلی دانشجویان/ پشتیبانی دولت از کارآفرین شدن دانشگاه.
	سیاست مهارت محوری برای جذب و ارتقا	اصلاح فرایند جذب اعضای هیات علمی براساس مقوله مهارت محوری/ ترسیم مسیر شغلی اعضای هیات علمی مبتنی بر ارتقای مهارت/ پرداخت حقوق و مزایای متناسب با مهارت محوری/ فرایند انتصاب و ارتقا اعضای هیات علمی مبتنی بر مهارت/ تدوین سیاست‌های تشویقی برای اعضای هیات علمی برای توسعه مهارت محوری.
	دانش مهارتی در حوزه رشته تخصصی	توانمند بودن اعضای هیات علمی در حوزه اشتغال مربوط به رشته تحصیلی/ آشنا بودن اساتید دانشگاه به

دست‌رسی به منابع اطلاعاتی/ دست‌رسی به مجلات آنلاین/ دست‌رسی اساتید، دانشجویان و پژوهشگران به پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر بین‌المللی/ افزایش سرعت اینترنت و پهنای باند در پردیس دانشگاه/ توسعه فناوری بالادست فناوری اطلاعات و ارتباطات و رسانه/ جریان آزاد مبادله اطلاعات و دانش و معنا/ توسعه شبکه‌های اساتید و دانشجویان داخلی و فراملی مبتنی بر IT/ توسعه ظرفیت‌های مربوط به فضای مجازی در آموزش، نهادهای دانشگاهی/ نظام اطلاعاتی کارآمد.

روش‌های تدریس: روش‌های تدریس دیگر مولفه شناسایی شده در پژوهش حاضر بود. یکی از عواملی که نقش به‌سزایی در کیفیت یادگیری و وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان بعد از اتمام دوره‌های تحصیلی دارد، شیوه‌های تدریس است. مشارکت‌کنندگان به اتفاق معتقد بودند که پرورش تفکر مهارت محوری در دانشجویان و همچنین مسئله‌محور کردن آموزش و تدریس می‌تواند در نهادهای آموزش عالی در نظام آموزش عالی موثر باشد. مشارکت‌کننده شماره ۱۱ در این باره اینگونه بیان می‌کند: «اصولاً یکی از ضعف‌های اساسی

برنامه‌درسی مبتنی‌بر مهارت: یکی دیگر از مولفه‌های شناسایی شده برنامه‌درسی مبتنی‌بر مهارت بود. وجود برنامه‌درسی مبتنی‌بر مهارت در دانشگاه می‌تواند نقش اساسی در ایجاد مهارت‌های عمومی اشتغال در دانشجویان داشته باشد. مشارکت‌کنندگان به اتفاق معتقد بودند که تدوین مدل مطلوب مهارت‌محوری در برنامه‌های درسی رشته‌ها و هم-چنین ایجاد پیوند بین محتوای برنامه‌درسی با نیازهای صنعت و بازار کار را از ضروریات برای اشتغال دانش‌آموختگان در آینده است. در این باره مشارکت‌کننده شماره ۱۲ اینگونه بیان می‌کند: «امروزه بسیاری از دانش‌آموختگان دانشگاهی بخاطر پایین بودن سطح مهارت‌شان نتوانسته‌اند وارد بازار کار شوند، چون بسیاری از محتوای ارائه شده در دانشگاه‌ها کاربردی و

در دانشگاه‌های ما مربوط به شیوه‌های تدریس و آموزش می‌باشد، خب آموزش ما در واقع روش‌های تدریسی که اساتید ما استفاده می‌کنند خیلی نوین و کاربردی نیست و خیلی بعد تفکر انتقادی را در دانشجو تقویت نمی‌کند و نکته مهم دیگر اینکه باید به دانشجویان مهارت‌های مورد نیاز را آموزش داد». کارآفرینی: توجه به مسئله کارآفرینی در آموزش دانشگاهی دیگر مولفه شناسایی در پژوهش حاضر بود. آموزش کارآفرینی به دانشجویان کمک می‌کند تا مهارت‌های لازم برای راه‌اندازی یک کسب و کار را یاد بگیرند، هم‌چنین، آموزش کارآفرینی می‌تواند تاثیر مهمی بر رشد شخصیتی و رشد فردی آنان داشته باشد. از نظر مشارکت کنندگان در پژوهش توجه به مقوله کارآفرینی در آموزش و هم‌چنین برگزاری دوره‌ها و ارائه فوق برنامه آموزش کارآفرینی در دانشگاه می‌تواند مسئله اشتغال فارغ‌التحصیلان را تحت تاثیر قرار دهد. مشارکت کننده شماره ۸ در این باره اینگونه بیان می‌کند: «بنظر من یکی از نکات اصلی برای توسعه مهارت محوری در دانشگاه آموزش کارآفرینی می‌باشد، اگر ما بتوانیم دانشجو را کارآفرین تربیت کنیم، تا حد زیادی می‌توانیم مسئله اشتغال را نیز حل کنیم». توانمندسازی اعضای هیات علمی: یکی دیگر از مولفه‌های شناسایی شده در پژوهش حاضر توانمندسازی اعضای هیات علمی بود. در دانشگاه، کیفیت کارهای علمی، پژوهشی و تدریس بیش از هر چیز به پویایی اعضای هیات علمی بستگی دارد. بنابراین توانمندسازی آن‌ها بر عملکرد کلی دانشگاه تاثیرگذار است. از نظر مشارکت کنندگان در پژوهش اصلاح فرایند جذب اعضای هیات علمی براساس مقوله مهارت محوری، ترسیم مسیر شغلی اعضای هیات علمی مبتنی بر ارتقای مهارت و برگزاری دوره‌های مهارت محوری برای اعضای هیات علمی جهت آموزش مناسب از ضروریات محسوب می‌شود. در این باره مشارکت کننده شماره ۱ این‌گونه بیان می‌کند: «اعضای هیات علمی از آنجایی که بار اصلی فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی را برعهده دارند نقش کلیدی در این زمینه می‌توانند داشته باشند، بنابراین توانمندسازی اعضای هیات علمی و برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های مرتبط پیرامون مهارت محوری و هم‌چنین توجه به مهارت محوری در فرایند جذب آن‌ها بسیار در این زمینه راه‌گشا خواهد بود».

توسعه فناوری: دیگر مولفه شناسایی شده در پژوهش حاضر توسعه فناوری بود. از نظر مشارکت کنندگان با عنایت به پیشرفت تکنولوژی و جهت بهره‌مندی از ظرفیت‌های فناوری

در آموزش دانشگاهی زیرساخت‌های فناوری در دانشگاه باید تقویت شود. در این باره مشارکت کننده شماره ۱۵ این‌گونه بیان می‌کند: «از آنجایی که امروزه فناوری رشد قابل ملاحظه‌ای داشته باید زیرساخت‌های فناوری در دانشگاه‌ها مهیا شود و هم‌چنین ما باید مهارت‌های فناورانه را نیز به دانشجویانمان یاد بدهیم و به نوعی سواد فناوری دانشجویان را افزایش دهیم».

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین مولفه‌های آموزش مبتنی بر مهارت در نظام آموزش عالی کشور با رویکرد کیفی انجام شده است. این پژوهش بینش جدیدی نسبت به مولفه‌های آموزش مبتنی بر مهارت ارائه نموده است که می‌تواند در نحوه مدیریت، رهبری و سیاست‌گذاری برای مهارت محور کردن آموزش دانشگاهی در نظام آموزش عالی کشور مؤثر باشد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مولفه‌های آموزش مبتنی بر مهارت از هفت مقوله اصلی تشکیل شده است. براساس یافته‌های پژوهش سیاست‌گذاری در سطح کلان یکی از مولفه‌های شناسایی شده در پژوهش حاضر بود که در پژوهش‌های مالکپور و همکاران (۱۵) و هم‌چنین پژوهش شریفی و همکاران (۱۶) از سیاست‌گذاری در سطح کلان به عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل برای توسعه آموزش مبتنی بر مهارت یاد شده، که با نتایج پژوهش حاضر نیز هم‌خوانی دارد. در تبیین یافته‌های این بخش از پژوهش می‌توان گفت از آنجایی که نظام آموزش عالی کشور به صورت متمرکز اداره می‌شود، لذا تدوین مدل جامع و مطلوب مهارت محوری ملی برای نظام آموزش عالی کشور در سطح کلان ضروری می‌باشد و ایده مهارت محوری در برنامه‌های توسعه آموزش عالی کشور به عنوان یک الویت راهبردی باید در نظر گرفته شود. ماموریت و رسالت دانشگاه دیگر مولفه شناسایی شده در پژوهش حاضر بود. در پژوهش‌های مالکپور و همکاران (۱۵) و صالحی عمران و عینی‌خواه (۱۷) نیز مولفه‌های مهارت محوری در برنامه‌ها، طرح‌ها و چشم‌اندازهای دانشگاه مورد توجه بوده و بر نتایج پژوهش حاضر نیز صحه گذاشته است. در تبیین یافته‌های این بخش از پژوهش می‌توان گفت که در راستای دستیابی به آموزش مبتنی بر مهارت در نظام آموزش عالی کشور نهادینه کردن مهارت محوری در رسالت‌ها و ماموریت‌های دانشگاه ضروری است، زیرا رسالت و ماموریت دانشگاه نشان

می‌دهد که دانشگاه به کدام سمت حرکت کند. در این راستا تعریف رسالت مهارت‌محوری در نظام آموزش عالی کشور که بتواند دانشجویانی را متناسب با نیازهای جامعه و بازار کار تربیت کند ضروری بنظر می‌رسد. برنامه‌درسی مبتنی بر مهارت دیگر مولفه شناسایی شده در پژوهش حاضر بود که در پژوهش‌های مالکپور و همکاران (۱۵)، Muratore (۱۹) و CHAN et al (۱۸) نیز برنامه‌درسی مبتنی بر مهارت برای توسعه مهارت‌محوری در آموزش دانشگاهی مورد توجه بوده و بر نتایج پژوهش حاضر نیز صحه گذاشته است. در تبیین یافته‌های این بخش از پژوهش می‌توان گفت که با توجه به تحولات مختلف اقتصادی، تکنولوژی، اجتماعی و پیشرفت لحظه‌ای در علم، باید بازنگری در برنامه‌درسی هم با توجه به این تغییرات محیطی و براساس مهارت‌محوری صورت گیرد و در بازنگری برنامه‌درسی نیازهای دانشجو، جامعه و صنعت در راستای کاربردی و مهارت‌محور کردن محتوا در نظر گرفته شود و همچنین در فرایند تدوین برنامه‌درسی محتوا براساس نیازهای بازار کار طراحی و تدوین شود. از آنجایی که دانشجویان بعد از فارغ‌التحصیلی وارد بازار کار خواهند شد، بنابراین باید دانش، مهارت و نگرش یکسان با بازار کار داشته باشند و این دانش و مهارت متناسب با بازار کار از طریق برنامه‌درسی مبتنی بر مهارت در دانشگاه به آن‌ها آموخته می‌شود. روش‌های تدریس دیگر مولفه شناسایی شده در پژوهش حاضر بود، که در پژوهش‌های Amin (۱۰)، Phusalux & Fongsuwan (۱۰) و Idris & Mbudai (۱۲) نیز نقش کلیدی شیوه‌های تدریس بر مهارت‌محور کردن دانشجویان در فرایند یاددهی و یادگیری مورد توجه بود که بر نتایج پژوهش حاضر صحه گذاشته است. در تبیین یافته‌های این بخش نیز می‌توان گفت که با توجه به دنیای پرشتاب و متحول امروز، آموزش دانشگاهی با چالش‌ها و الزامات جدیدی روبرو می‌باشد. از یک‌سو، فناوری‌های نوین و رشد روزافزون دانش بشری موجب شده است که صرف انتقال دانش، دیگر پاسخگوی نیازهای دانشجویان نباشد. از سوی دیگر، تحولات سریع بازار کار و لزوم تربیت نیروی انسانی ماهر و کارآمد موجب شده است تا آموزش دانشگاهی به سمت روش‌های تدریس مهارت‌محور حرکت کنند. بنابراین با تاکید بر مهارت‌آموزی عملی در کلاس درس، ارتباط محتوای آموزشی با نیازهای واقعی جامعه و بازار کار و

هم‌چنین به کارگیری روش‌های نوین تدریس می‌توان کاستی‌ها و چالش‌های روش‌های تدریس فعلی مبتنی بر انتقال دانش نظری را مرتفع کرد. آموزش کارآفرینی دیگر مولفه شناسایی شده در پژوهش بود که در پژوهش‌های مالکپور و همکاران (۱۵) و صالحی عمران و عینی‌خواه (۱۷) نیز ترویج و نهادینه کردن کارآفرینی در دانشگاه تاکید شده است که با نتایج پژوهش حاضر هم‌خوانی دارد. در تبیین یافته‌های این بخش از پژوهش می‌توان گفت که با کارآفرینانه نمودن دروس، شیوه‌های تدریس، برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی کارآفرینی و هم‌چنین برگزاری دوره‌های کارآموزی می‌توان در راستای توسعه آموزش مبتنی بر مهارت در نظام آموزش عالی کشور قدم برداشت. توانمندسازی اعضای هیات علمی دیگر مولفه شناسایی شده در پژوهش حاضر بود. که این مولفه در پژوهش‌های Tang (۱۳) Amin (۱۱) و Idris & Mbudai (۱۲) که در آن‌ها نیز بر نقش کلیدی توانمندسازی اعضای هیات علمی تاکید شده است، مورد توجه بوده و با یافته‌های پژوهش حاضر هم‌سویی دارد. در تبیین یافته‌های این بخش از پژوهش می‌توان گفت از آنجا که اعضای هیات علمی باعث افزایش کیفیت و توان علمی آموزش عالی بخصوص در امر آموزش و پژوهش و تربیت افراد نخبه و متخصص می‌شوند، نقش مهمی در امر توسعه کشور ایفا می‌کنند. بنابراین مطلوب است دانشگاه‌ها در راستای توسعه همه جانبه اعضای هیات علمی خود گام‌های اساسی برداشته و به گونه‌ای برنامه‌ریزی شده، رشد و ارتقای همه‌جانبه اعضای هیات علمی خود را فراهم آورند. بنابراین نیاز است که تدابیری برای ارتقای توانمندی‌ها، قابلیت‌های علمی و مهارت‌های حرفه‌ای اعضای هیات علمی در دانشگاه در راستای توسعه آموزش مبتنی بر مهارت اتخاذ شود.

یافته‌ها هم‌چنین نشان داد که توسعه فناوری ارتباطات و اطلاعات عامل مهم دیگری در جهت گسترش آموزش مبتنی بر مهارت در آموزش عالی کشور است. در تبیین یافته‌های این بخش می‌توان گفت که با ظهور و توسعه فناوری اطلاعات، روند جهانی شدن با شتابی بیشتر با محور عنصر اطلاعات در حال گسترش است. این پدیده دیری نپایید که عرصه‌های اقتصادی، تجاری و سیاسی کشورها را نیز با توسعه تجارت الکترونیک و ایجاد دولت الکترونیک متأثر ساخت. بی‌شک یکی از مهم‌ترین دستاوردهای توسعه فناوری اطلاعات، تحول در

هوشمندسازی کلاس‌های درس با هدف شبیه‌سازی کسب و کارها بهره جست.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

این مطالعه توسط معاونت پژوهشی دانشگاه محقق اردبیلی با شماره نامه: ۳۱۰ در تاریخ ۱۳/۱۲/۱۴۰۲ تصویب شد.

حمایت مالی

این مقاله حاصل بخشی از طرح پسادکتری رشته مدیریت آموزشی در دانشگاه محقق اردبیلی است که با حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه محقق اردبیلی انجام شده است.

مشارکت نویسندگان

مفهوم‌سازی و طراحی مطالعه: عادل زاهد بابلان، شهرام مهرآور گیگلو؛ کسب، تحلیل و تفسیر داده‌ها: شهرام مهرآور گیگلو؛ تهیه پیش‌نویس دست‌نوشته: شهرام مهرآور گیگلو؛ بازبینی نقادانه دست‌نوشته: عادل زاهد بابلان، شهرام مهرآور گیگلو؛ تحلیل آماری: عادل زاهد بابلان، شهرام مهرآور گیگلو؛ جذب منابع مالی: عادل زاهد بابلان؛ حمایت اداری، فنی یا موادی: عادل زاهد بابلان؛ نظارت بر مطالعه: عادل زاهد بابلان

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع بین مولفان مقاله وجود ندارد.

قدردانی

بدین وسیله از همه کسانی که در انجام پژوهش حاضر پژوهشگران را یاری کرده‌اند، تشکر می‌گردد.

عرصه آموزش است. کلاس‌های مجازی و دانشگاه مجازی، به طور کلی یادگیری الکترونیکی از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های قابل اتکا برای توسعه این مهارت‌هاست. امروزه گسترش فناوری اطلاعات به ویژه اینترنت، به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از جهانی‌شدن مزایای فراوانی برای آموزش عالی به همراه آورده است. بنابراین ایجاد زیرساخت‌های فناوری اطلاعات در راستای آموزش مهارت‌های فناوری برای دانشجویان جهت بهره‌مندی در دنیای بازار کار از ضروریات محسوب می‌شود.

از جمله محدودیت‌ها و مشکلات پیش‌روی پژوهش حاضر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: عدم همکاری بعضی از اعضای هیات علمی با پژوهشگر برای انجام مصاحبه و جمع‌آوری داده‌ها؛ فراهم نبودن شرایط برای انجام مصاحبه‌های جمعی به صورت گروه‌های کانونی برای گردآوری داده‌های دقیق‌تر. با عنایت به یافته‌های این پژوهش به منظور تقویت و توسعه مهارت‌محوری در آموزش دانشگاه‌ها برای رسیدن به وضعیت مطلوب، ابتدا باید به مقوله مهارت‌محوری در رسالت، مأموریت و چشم‌اندازهای دانشگاه توجه کرد و مهارت‌محوری را به تمامی سطوح تصمیم‌گیری و اجرایی دانشگاه تعمیق داد. هم‌چنین باید بین محتوای دروس دانشگاهی با نیازهای شغلی از طریق بازبینی و به روز رسانی برنامه‌های درسی سازگاری ایجاد کرد و در دانشگاه موقعیت‌هایی را برای تجربه مبتنی بر کار و مکان‌های کارآموزی برای دانشجویان فراهم کرد، هم‌چنین بستر را برای اجرای برنامه‌های آموزش عملی و تجربه‌محور از طریق حضور دانشجو‌ها در میدان کار برای تحریک ذهن آن‌ها فراهم کرد و از ظرفیت‌های تکنولوژی برای

References

1. Kayzouri AH, Mohammadi Hoseini SA, Sadat Soleimani E. [Students' Perception of Faculty Members' Teaching Competence (Case Study: Ferdowsi University of Mashhad)]. Research in Teaching 2019; 7(4):107-131. [Persian]
2. Talman K, Vierula J, Kanerva AM, Virkki O, Koivisto JM, Haavisto E. Instruments for assessing reasoning skills in higher education: A scoping review. Assessment & Evaluation in Higher Education 2021;46(3): 376-392. [DOI:10.1080/02602938.2020.1776212]
3. Emike OE, Chidi DM. Skill-Oriented Education And Career Competence Among Postgraduate Students In University Of Lagos, Nigeria. Ethiopian e-Journal for Research and Innovation Foresight (Ee-JRIF) 2019;11(1).
4. Soini K, Jurgilevich A, Pietikäinen J, Korhonen-Kurki K. Universities responding to the call for sustainability: A typology of sustainability centres. Journal of Cleaner Production 2018;170: 1423-1432. [DOI:10.1016/j.jclepro.2017.08.228]
5. Śleszyńska M. How to Write (Science) Better. Simplified English Principles in a Skill-Oriented ESP Course. Studies in Logic, Grammar and Rhetoric 2021; 66(1):115-33. [DOI:10.2478/slgr-2021-0008]

6. Huckabee ML, Flynn R, Mills M. Expanding rehabilitation options for dysphagia: skill-based swallowing training. *Dysphagia* 2023; 38(3): 756-767. [DOI:10.1007/s00455-022-10516-3]
7. Mwita, KM. Tanzania graduate employability: Perception of human resource management practitioners. *International Journal of Human Resource Studies* 2018; 8(2): 263-272. [DOI:10.5296/ijhrs.v8i2.12921]
8. Thirunavukarasu G, Chandrasekaran S, Subhash Betageri V, Long J. Assessing learners' perceptions of graduate employability. *Sustainability* 2020; 12(2): 460. [DOI:10.3390/su12020460]
9. Khawla A, Khataybeh A. Representing teaching staff in Jordanian universities for the 21st century skills. *Pegem Journal of Education and Instruction* 2021;11(3): 17-25.
10. PhusaluxJ UB, Fongsuwan W. Determinants of modern management of private vocational colleges: A Structural Equation Model. *Research Journal of Business Management*, 2015;9(2):378-90. [DOI:10.3923/rjbm.2015.378.390]
11. Amin JB. Quality assurance of the qualification process in TVET: Malaysia Country. *The Online Journal for Technical and Vocational Education and Training in Asia* 2016;7: 1-12.
12. Idris A, Mbudai Y. Technical and vocational education: Challenges towards youths empowerment in Kano State-Nigeria. *Journal of Technical Education and Training* 2017; 9(1).
13. Tang KN. Innovate Higher Education to Enhance Graduate Employability. *Pertanika Journal of Social Sciences & Humanities* 2019;27(2). [DOI:10.4324/9780429058899-14]
14. Partey PA. The importance of field experience in teacher preparation: Perspectives of trainee economics teachers in the University of Cape Coast. *International journal of research in social sciences* 2014;4(4): 58-63.
15. Malekpour Lapari K, Montazeri T. [The components of the Curriculum based on Skills in Higher Education and Presenting a Model: A Meta-synthesis]. *Journal of higher education curriculum studies* 2022; 12(24): 103-137.[Persian]
16. Sharifi Asadi Malafeh F, Khorasani A, Fathi Vajargah K, Salehi Omran E.[Determination of Employability skills of Academic Graduates with Exploratory Mixed Method Approach]. *Theory and Practice in the Curriculum* 2019;7 (13): 29-52. [Persian]
17. Salehi Omran, Ebrahim; Einkhah, F. [Skill training, human capital development and employment]. 7th National Conference on Human Capital Development. 2019 Dec 28; Tehran 2020. [Persian]
18. Chan CK, Fong ET, Luk LY, Ho R. A review of literature on challenges in the development and implementation of generic competencies in higher education curriculum. *International Journal of Educational Development* 2017; 57: 1-10. [DOI:10.1016/j.ijedudev.2017.08.010]
19. Muratore S, Kim M, Olasky J, Campbell A, Acton R. Basic airway skills acquisition using the American College of Surgeons/ Association for Surgical Education medical student simulation-based surgical skills curriculum: Initial results. *The American Journal of Surgery* 2017; 213(2): 233-237. [DOI:10.1016/j.amjsurg.2016.09.053]
20. Purnima KS, Lalitha A, Srinivas T. Constraints Perceived by Participants of Skill Oriented Certificate Courses in Establishing Small Scale Enterprise Units. *Asian journal of Extension Education* 2020; 38: 66.
21. Lotfi Jalal Abadi M, Farhadi A, Ravaei S, Gholami M. [Designing a Skill-oriented Model for Occupational Students: Using the Grounded Theory]. *Karafan Journal* 2020; 16 (2): 71-100. [Persian]

22. Entezarian N, Tahmasebi T. [Examining the degree of coordination and adaptation of the higher education system and technical and vocational educational whit the needs of the labor market]. Work and society 2011;11 (140): 59-70. [Persian]
23. Mohammadpour A. [Anti-Method: Logic and Design in Qualitative Methodology]. Tehran. 2nd ed. Sociologists; 2012. [Persian]